



The Role and Status of Juries in the Trial System of International Criminal Courts: A Comparative Study

Sanaz Baradari¹, Touraj Dalkey²

¹PhD Candidate in law, Islamic Azad University, Isfahan Branch, Khorasgan, Iran.

Email: baradaresanaz@gmail.com

²Visiting Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Islamic Azad University of Isfahan (Khorasgan) Branch, Isfahan, Iran. Email:brfgvbrvbdcecfb25@gmail.com

Abstract

The growth and development of the concept of international society requires the recognition and explanation of fundamental values that can serve as common foundations in this society. This makes the support and respect for these principles a collective concern in the international arena. To date, various methods and tools have been invented to protect the common interests and values of the international community, each of which has played an effective role in achieving this goal. A jury is a collective institution that is formed on the basis of group wisdom with the aim of judging cases, revealing facts and determining punishment in order to be closer to justice and logic. In a number of global judicial systems, the selection of jury members is accepted by the people. Among the requirements that must be considered are the judge's commitment to the opinion of these members, their lack of expertise in legal fields and the non-interference of the members of the jury in the judging process. These matters must be carefully observed today, given the recent developments in the nature of these institutions. In this way, the concept of criminal justice is raised as one of the key ideals of the international community, and efforts are being made to realize it by criminal judicial authorities, including international courts and national courts .

Keywords: International community, jury, international criminal law, global criminal justice.

نقش و جایگاه هیئت های منصفه در نظام دادرسی دادگاه های

بین المللی کیفری: یک مطالعه تطبیقی *

ساناز برادری ۱، تورج دالکی ۲

۱ دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان، خوراسگان، ایران. رایانامه نویسنده مسئول:

baradaresanaz@gmail.com

۲ استادیار مدعو، گروه حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان) اصفهان، ایران.

brfgvbrvbdcecfb25@gmail.com

چکیده

ظهور و پیشرفت تدریجی مفهوم جامعه بین المللی، نیازمند شناسایی ارزش های اساسی برای این جامعه است. به گونه ای که تضمین حمایت و احترام به این اصول و ارزش ها به عنوان یک نگرانی مشترک در نظام بین المللی مورد توجه قرار می گیرد. تا کنون ابزارها و روش های گوناگونی برای حفاظت از منافع و ارزش های مشترک جامعه بین المللی طراحی شده است که هر یک به نوعی مؤثر واقع شده اند. هیئت منصفه، نهادی است که به منظور قضاوت در دعاوی، روشن کردن حقیقت و یا تعیین مجازات، بر اساس خرد جمعی که به عدالت و عقلانیت نزدیک تر است، تشکیل می شود. در برخی از نظام های حقوقی جهان، انتخاب اعضای هیئت منصفه به صورت مردمی به رسمیت شناخته شده است. از جمله شرایطی که باید در نظر گرفته شود، توجه قاضی به رأی این اعضا، عدم تخصص آن ها در زمینه بازی و عدم دخالت اعضای هیئت در فرآیند قضاوت است. این موارد با توجه به تحولات اخیر در ماهیت این نهادها، امروزه باید به دقت رعایت شوند. به این ترتیب، مفهوم عدالت کیفری به عنوان یکی از آرمان های کلیدی جامعه بین المللی مطرح می شود و تلاش هایی برای تحقق آن توسط مراجع قضایی کیفری، از جمله دادگاه های بین المللی و دادگاه های ملی، صورت می گیرد. هرچند این مسیر هنوز در مراحل ابتدایی خود قرار دارد و تا دستیابی به وضعیت ایده آل فاصله زیادی وجود دارد. در ارزیابی کارایی نظام حقوق بین الملل کیفری در دنیای معاصر، توجه به نیازهای جامعه بین المللی ضروری است. همچنین، نگرانی های جامعه جهانی در راستای تحقق عدالت کیفری جهانی و موانع موجود در این مسیر از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

واژگان کلیدی: جامعه بین الملل، هیئت منصفه، حقوق بین الملل کیفری، عدالت کیفری جهانی.

مقدمه

جامعه بین‌المللی به تدریج با شناسایی و تقویت منافع مشترک و ارزش‌های مورد پذیرش، شکل گرفته است. البته در این جامعه، حقوق بشر به عنوان مهم‌ترین ارزش‌ها شناخته می‌شود. این جامعه تحت حاکمیت قانون اداره می‌شود و از طریق نهادها یا مؤسسه‌هایی که به صورت جمعی تأسیس شده‌اند، به پیشبرد منافع و ارزش‌های مشترک می‌پردازد. با توجه به افزایش یکپارچگی بین‌المللی در نیم قرن گذشته، حقوق بین‌الملل به تدریج با قواعد مربوط به همکاری میان دولت‌ها، زمینه را برای این درخواست فراهم کرده است که هر دولت باید با حسن نیت به تعهدات و وظایف بین‌المللی خود در نظم جهانی عمل کند. تغییرات در فضای بین‌المللی همچنین منجر به تغییر اولویت‌ها شده است و دولت‌ها تلاش بیشتری برای اجرای تعهدات خود نسبت به یکدیگر و جامعه بین‌المللی به خرج داده‌اند (زمانی و اکبرنژاد، ۱۳۹۴). در حقیقت، از این پس این حاکمیت نیست که حقوق بین‌الملل را تعیین می‌کند، بلکه همبستگی و وابستگی متقابل نقش اصلی را ایفا می‌کند. نیازهای ناشی از گسترش جامعه بین‌المللی، چه از نظر کارکردی و چه از نظر ارتباطات متقابل، به سرعت نظم حقوقی بین‌المللی را دگرگون کرده است. در اوایل قرن بیستم، نظام بین‌الملل تنها یک ساختار هرمی با هنجارهای محدود بود که در آن دولت‌ها به عنوان بازیگران انحصاری شناخته می‌شدند و به شیوه‌ای غیرالزام‌آور و بدون فشار قابل توجهی به‌طور متقابل عمل می‌کردند. در حالی که حقوق بین‌الملل معاصر به‌عنوان یک شبکه پیچیده از رهنمودهای متداخل و جزئی در زمینه‌های مختلفی مانند تعقیب مجرمین بین‌المللی، حمایت از محیط‌زیست، حقوق بشر، فناوری ارتباطات، تجارت بین‌الملل و غیره شناخته می‌شود، تحولات اخیر منجر به تصویب کنوانسیون‌های متعدد در سطوح منطقه‌ای و جهانی شده است. همچنین، رویه‌های جدیدی برای نظارت و اجرای تعهدات دولت‌ها پیش‌بینی شده است، اما در عمل این اقدامات از قوت کافی برخوردار نیستند. به همین دلیل، تلاش‌هایی صورت گرفته تا از ابزارهای دیگری مانند نظام مسئولیت کیفری فردی در حقوق بین‌الملل کیفری برای تضمین بهتر اجرای قواعد حقوق بشر استفاده شود (حدادی، ۱۳۸۹).

به این نکته باید توجه داشت که هیئت منصفه ممکن است برای تمامی مواردی که جامعه کیفری بین‌المللی با آن‌ها مواجه است، مناسب نباشد. با این حال، در شرایط مناسب، می‌تواند به‌طور چشمگیری به مشروعیت تصمیمات دادگاه و عملکرد آن به عنوان یک نهاد قانونی کمک کند. آنچه ما در این مقاله ذکر می‌کنیم تنها انتقال قدرت تصمیم‌گیری نهایی از قاضی به هیئت‌های منصفه را نشان نمی‌دهد. بلکه ما سناریویی را ترسیم می‌کنیم که در آن مدیران پرونده می‌توانند توجه شهروندان را به مراحل کلیدی فرآیند جلب کرده و به پرورش عدالت و شفافیت بیشتر کمک کنند. بحث ما به‌ویژه شامل سه بخش است. در ابتدا، مبنایی را ارائه می‌دهیم که بر اساس آن معتقدیم که سیستم هیئت منصفه می‌تواند به جامعه کیفری بین‌المللی مشروعیت بیشتری ببخشد. سپس، به بررسی مهم‌ترین چالش‌های قانونی

در پیاده‌سازی چنین نظامی خواهیم پرداخت. و در پایان، مثالی اساسی از چگونگی ایجاد و مدیریت یک هیئت منصفه جهانی مشابه را ارائه خواهیم داد.

۱. مشروعیت

مشروعیت عمومی، که به‌طور کلی به عنوان پذیرش حق یک نهاد عمومی برای حکومت و کنترل شناخته می‌شود، یکی از اصول بنیادین در تمام مراحل تأسیس جامعه کیفری بین‌المللی به شمار می‌آید (Buchanan and Keohane, 2006: 417). این امر در مراحل ابتدایی ضروری بود، زمانی که مذاکره‌کنندگان در حال طراحی یک چارچوب کاری بودند تا تعداد کافی از ایالات عضو بالقوه را جذب کنند و اطمینان حاصل کنند که این چارچوب پایدار خواهد بود. این نیاز همچنان در حال حاضر که تصمیم‌گیری‌ها در لاهه تأثیرات قانونی و سیاسی عملی خود را آغاز کرده‌اند، اهمیت خود را حفظ می‌کند (Fichtelberg, 2006: 782). در بحث‌های قبلاً تصویب شده درباره حق قانونی، در مباحث جدیدتر که به اتهامات دادستان لویس مورنو-اوکامپو علیه رئیس‌جمهور سودان در زمینه جرائم جهانی مربوط می‌شود، مشروعیت به سرعت به عنوان معیاری برای ارزیابی هواداران و منتقدان دیوان کیفری بین‌المللی نمایان می‌شود. به عنوان نمونه، میشل استروت اشاره می‌کند که «قوانین، رویه‌ها و جرایمی که در قانون مدنی دیوان کیفری بین‌المللی وجود دارند، که حاصل یک گفت‌وگوی وسیع، توافقی، منطقی و ارتباطی هستند.» در نتیجه، دیوان کیفری بین‌المللی به عنوان یک نهاد، موقعیتی به مراتب قوی‌تر برای جلب توجه و کسب مشروعیت جهانی دارد. با این حال، انتقادات اساسی بر این نکته تأکید می‌کنند که «ادعای عدم مسئولیت کافی قضات و دادستان‌های دیوان کیفری بین‌المللی» نسبت به دیگران، می‌تواند به این معنا باشد که قدرت‌های این نهاد به‌طور بالقوه با آزادی‌خواهی در تضاد است (Morris, 2002: 600). برای درک نقش مشروعیت در حقوق بین‌الملل، به دادگاه‌های نظامی نورنبرگ در پایان جنگ جهانی دوم مراجعه می‌کنیم. این دادگاه‌ها وضعیت مهمی را به نمایش می‌گذارند، به‌ویژه از آن جهت که به قضاوت‌هایی نیاز داشتند که به‌طور واضح و بی‌پروا به هم بافته شده بودند (Overy, 2003: 2). در دوران پیچیده سیاسی پس از جنگ و در میان حاشیه‌های بین‌المللی، نمایندگان ملی به دو دسته تقسیم شدند؛ یکی بر اساس نوع عدالتی که باید توزیع شود و دیگری بر اساس اساس میزان سادگی آن. هری ترومن، رئیس‌جمهور ایالات متحده، نقش مهمی در تغییر تعادل به سمت تأسیس دادگاهی ایفا کرد که بتواند به اتهامات عدالت طرف پیروز پاسخ دهد و در جامعه جهانی پس از جنگ به عنوان نهادی مشروع شناخته شود (Dwyer, 2002: 32).

از نورنبرگ، مفهوم مشروعیت به عنوان یک اصل کلیدی در فعالیت‌ها و شکل‌گیری و مدیریت دادگاه‌های بین‌المللی به وضوح نمایان شد. همان‌طور که محقق حقوقی، امی پوئل، اشاره می‌کند: «ظهور مشروعیت، به‌ویژه در نظام بین‌المللی، ممکن است به مراتب از سطح ملی اهمیت بیشتری داشته باشد. زیرا قانون بین‌المللی توسط نمایندگان

منتخب ایجاد نمی‌شود و به همین دلیل مشروعیت آن در یک زمینه ناپایدار باقی می‌ماند» (Powell, 2004: 2376). با وجود اینکه قانون مدنی رُم ۱۹۹۸، که قرارداد تأسیس دیوان کیفری بین‌المللی را به وجود آورد و مسئولیت‌های اخیر این دادگاه را مشخص کرد، اصول قانونی را به شکلی نوآورانه ارائه می‌دهد، اما مشروعیت عمومی همچنان به عنوان یک عامل کلیدی برای حفظ کارایی و اعتماد به نفس در عملکرد دادگاه باقی می‌ماند (Fichtelberg, 2006: 765-785).

هر زمان که دادگاه بر اختیارات خود تأکید می‌کند، مقامات رسمی مسئولیت یک زنجیره طولانی از تصمیمات را بر عهده می‌گیرند که به منظور تحقق مأموریت خود در چارچوب مجموعه‌ای خاص از دینامیک‌های سیاسی، قانونی و شرعی طراحی شده‌اند. ما به هیچ عنوان ادعا نمی‌کنیم که در تمامی موارد (پرونده‌ها) وجود هیئت‌های منصفه ضروری یا حتی مطلوب است؛ زیرا قدرت قاطع دادگاه به اندازه‌ای وسیع و قوی است که می‌تواند اهداف خود را با کارایی بالا دنبال کند. اگرچه در شرایط اضطراری یک پرونده خاص، دادگاه ممکن است به انتقادهایی که مانع از پیگیری دادخواهی می‌شوند، پاسخ دهد، می‌توان نشان داد که هیئت منصفه یک ابزار ارزشمند است. این موضوع می‌تواند شامل پرونده‌هایی باشد که در آن‌ها درک عدالت از سوی طرف پیروز به‌طور خاص آگاهانه است یا پرونده‌هایی که در آن‌ها دخالت دادگاه به شدت توسط منتقدان آزادی‌خواه مورد بحث قرار می‌گیرد. هر پرونده‌ای که بر اساس سرکوب تاریخی یا سازمان‌یافته یک جمعیت خاص بنا شده باشد، ممکن است از مشروعیتی که هیئت منصفه به آن جمعیت می‌دهد، بهره‌مند شود (Buchanan and Keohane, 2006: 417).

باید به این نکته توجه کنیم که مشروعیت عمومی به چه معناست و دیوان کیفری بین‌المللی در چه زمینه‌هایی ممکن است به آن نیاز داشته باشد. بوکانن و کیهن ابزاری را برای ارزیابی مشروعیت نهادهای بین‌المللی ارائه کرده‌اند که چهار عنصر آن به‌طور مستقیم بر آن اثر خواهد گذاشت (Keohane, 2006: 405-37 & Buchanan). با توجه به نظرات بوکانن و کیهن، می‌توان نتیجه گرفت که یک هیئت منصفه ممکن است به دیوان کیفری بین‌المللی از طریق روش‌های زیر کمک کند: (۱) تقویت اعتماد و حمایت عمومی گسترده‌تر، (۲) ارتقاء عدالت در فرآیندها، (۳) تضمین استدلال‌های منطقی و (۴) به‌طور کلی ارائه ارزش‌های آزادی‌خواهانه. این چهار عنصر از جنبه‌های تحلیلی و عملی به هم مرتبط هستند، اما بررسی هر یک به‌طور جداگانه، تنوع روش‌هایی را که یک سیستم هیئت منصفه می‌تواند برای تقویت مشروعیت دیوان کیفری بین‌المللی به‌کار گیرد، بیشتر نمایان می‌سازد.

۲. اعتماد و پشتیبانی عمومی

در ابتدا، بوکانن و کیهن اظهار داشتند که برای اعتباربخشی به یک سازمان جهانی، «باید پذیرش مداوم کشورهای آزادی‌خواه به عنوان یک شرط اساسی در نظر گرفته شود» (Keohane, 2006: 417 & Buchanan). این در حالی

است که بیش از صد امضا در قانون مدنی رم نشان‌دهنده این است که دیوان کیفری بین‌المللی در زمینه جمع‌آوری اسناد به خوبی عمل کرده است، اما هنوز فضای قابل توجهی برای بهبود در زمینه تأیید (تصویب) توسط دولت‌های بیشتر و نیاز به تضمین حمایت عمومی گسترده در سال‌های آینده وجود دارد. جلب توجه ایالات متحده می‌تواند به ایجاد یک پیشرفت اساسی منجر شود، اما دیوان کیفری بین‌المللی باید به مشروعیتی که در استان‌هایی که ادعای وقوع جرم‌های بین‌المللی دارند، به دست آورده است، نیز توجه کند. در هر دو مورد، وجود یک سیستم هیئت منصفه ممکن است به تقویت امنیت و مشروعیت لازم کمک کند (Schiff, 2008: 142). سیستمی از خدمات هیئت منصفه که بر اساس دیوان کیفری بین‌المللی طراحی شده است، می‌تواند تأثیر قابل توجهی بر تجربیات آن گروه نسبتاً کوچک از افرادی که به عنوان اعضای هیئت منصفه فعالیت می‌کنند، داشته باشد. همچنین، این سیستم می‌تواند تأثیر عمیقی بر مفهوم شهروندی جهانی در سطح وسیع‌تری نیز بگذارد. یک هیئت منصفه‌ی دیوان کیفری بین‌المللی ممکن است در یک بازه زمانی مشخص، چند ده نفر را به لاهه دعوت کند، اما از طریق رسانه‌های جمعی، دولت‌های محلی و سازمان‌های مدنی، به‌طور نمادین و جانبی، جمعیت بین‌المللی را با گنجاندن افرادی که معمولاً خود را در این زمینه نمی‌بینند، گسترش می‌دهد. اعضای هیئت‌های منصفه دیوان کیفری بین‌المللی و متقاضیان به‌طور مستقیم با هم‌تایان خود در نقاط مختلف جهان تعامل می‌کنند و پس از این تجربه مثبت و دیدگاه‌های معتبر، به خانه بازمی‌گردند. در اینجا، اخلاقیات «هیئت منصفه‌ی هم‌تایان فرد» به‌عنوان یک نمایش جهانی مطرح می‌شود، جایی که هم‌تایان فرد، سایر شهروندان جهان هستند. چنین سیستمی می‌تواند به پذیرش، مشروعیت و آگاهی عمومی از دادگاه کمک کند و همچنین کیفیت عدالت کیفری بین‌المللی را افزایش دهد. به‌طور کلی، یک سیستم هیئت منصفه می‌تواند حمایت عمومی از دیوان کیفری بین‌المللی و شرکای ملی آن را تقویت کند (Bos, 1999: 468).

۳. تمامیت سازمانی و عدالت

بوکانن و کیهن بیشتر بر این نکته تأکید می‌کنند که سازمان‌های آزادی‌خواه جهانی باید روندهای خود را به‌طور کامل حفظ کنند: «اگر یک سازمان، نمونه‌ای از نابرابری شدید بین عملکرد واقعی خود و اهداف یا روندهای اعلام شده‌اش را نشان دهد، مشروعیت آن به شدت مورد تردید قرار می‌گیرد» (Keohane, 2006: 417 & Buchanan). به‌ویژه در مورد دیوان کیفری بین‌المللی، بسیاری از سازمان‌های دیگر بر مشروعیت خود تأکید دارند و این مشروعیت را بر اساس توانایی تضمین حق متهم برای داشتن یک محاکمه عادلانه بنا می‌کنند (McGoldrick, 2004: 455). پیگرد قانونی جرایم بین‌المللی، حتی به‌عنوان یک اقدام مستقیم برای حمایت از حقوق بشر، همواره می‌تواند به سیاست‌گذاری آسیب‌زننده (McGoldrick, 2004: 48–51 & Simpson). در این راستا، ایجاد یک دادگاه بین‌المللی دائمی به‌عنوان راهی برای گسترش و تداوم عدالت به‌طور وسیع‌تر در نظر گرفته می‌شود. عدالت به‌عنوان یکی از

پیچیده‌ترین مسائل در روابط انسانی شناخته می‌شود، به‌ویژه زمانی که دیوان کیفری بین‌المللی قصد دارد اقداماتی برای «جبران خسارت زیان‌دیده» و «مجازات مجرمان» انجام دهد. این پیچیدگی زمانی بیشتر می‌شود که دیوان عدالت را به موضوعاتی چون صلح، امنیت و رفاه مرتبط می‌سازد. بررسی مفهوم عدالت در چارچوب صلاحیت تکمیلی نشان می‌دهد که اساسنامه رم با استفاده از این مفهوم، سعی دارد تا به تطبیق تنوع هنجاری در عملکرد عدالت بین‌المللی کیفری بپردازد. همچنین، مفهوم عدالت در اساسنامه رم به شرایط و موقعیت‌های مختلف توجه دارد. به علاوه، عدالت در معنای خاص خود به شناسایی تقصیر بزهکار و اصلاح آن مربوط می‌شود و در معنای عام‌تر، شامل منافع بزه‌دیدگان نیز می‌گردد (پشمی و نژدی منش، ۱۴۰۱).

به این ترتیب، اصول تمامیت و عدالت در زمینه مشروعیت به محوریت می‌رسند، نه تنها برای قربانیان جرایم، بلکه همچنین برای افرادی که به ارتکاب جرایم متهم شده‌اند. بررسی‌هایی که به تدوین قانون مدنی رم و دیوان کیفری بین‌المللی مدرن منجر می‌شوند، سعی دارند این موضوع را منعکس کنند. از لحاظ ساختاری، فرآیندهای دادگاه یک سیستم متعادل و راست‌دست را به نمایش می‌گذارند که از طریق محدودیت‌های زمانی، روندهای تجدیدنظر و محدودیت‌های مربوط به قدرت دادستانی به وجود آمده‌اند. در مراحل ابتدایی شکل‌گیری دادگاه، در روزی که قانون مدنی رم به اجرا درآمد، یکی از موضوعات کلیدی، تأمین مؤثر حقوق بشر از طریق یک سیستم عمومی بود که به‌طور گسترده‌ای بر اساس اصول بنیادی عدالت شناخته شده است (McGoldrick, 2004: 459–60). همان‌طور که دامینیک مک‌گولدیک بیان کرده است، یکی از عوامل مؤثر در مشروعیت بین‌المللی یک دادگاه، میزان توانایی آن در ارائه عدالت برابر در پرونده‌های مشابه است. اهمیت این موضوع به اندازه‌ای است که آیا افراد در شرایط مشابه، برخورد یکسانی دریافت می‌کنند یا خیر. پتانسیل جهانی دیوان کیفری بین‌المللی می‌تواند این جنبه از مشروعیت را تقویت کند. با این حال، بررسی‌ها، پیگردهای قانونی و قضاوت‌های این دیوان ممکن است تحت انتقاد قرار گیرند که آیا بر اساس استانداردهای رفتار برابر انجام شده‌اند یا نه.

یک چالش برای دیوان کیفری بین‌المللی زمانی به وجود می‌آید که این نهاد به عنوان یک نهاد سیاسی تلقی گردد، حتی با وجود تدابیر حفاظتی که در روند کار آن وجود دارد، به‌ویژه در زمان انتخاب قضاتی که آرای خود را ارائه می‌دهند. همان‌طور که بنیامین اسکیف در پژوهش خود درباره دیوان کیفری بین‌المللی اشاره می‌کند، «با وجود تشویق‌های موجود در قوانین مدنی، انتخاب قضات بیشتر به عنوان یک مبارزه سیاسی میان دولت‌ها بروز می‌کند تا انتخابی بر اساس شایستگی» (Schiff, 2008: 142).

هیئت منصفه، به عنوان یک نقطه‌ی مقابل قوی، امکان پیگیری قانونی یک فرآیند سیاست‌گذاری شده یا یک سویه را فراهم می‌آورد. از دیدگاه پژوهشگرانی که با قدرت هیئت منصفه به عنوان یک نهاد قانونی معتبر آشنا هستند و نقش آن در مشارکت فعال شهروندان در دموکراسی را درک می‌کنند، به نظر می‌رسد نظریه هیئت منصفه بین‌المللی باید

همچنان از اعتبار و قوت لازم برخوردار باشد (Dwyer, 2002: 32). پس از همه این موارد، هیئت‌های منصفه به‌طور کلی به تقویت مشروعیت دولت در انگلستان کمک می‌کنند. آن‌ها دریافته‌اند که قضاوت‌هایشان در زمان ارائه رضایت - یا حتی در جهت‌گیری مستقیم - توسط خود مردم غیرحرفه‌ای عادلانه‌تر به نظر می‌رسد. بنابراین، سازمان هیئت منصفه می‌تواند مسائل مربوط به تعصب قضایی را با ارائه تصمیم نهایی درباره گناهکار یا بی‌گناه بودن یک فرد به هیئتی که به‌طور تصادفی (و نه به صورت سیاسی) انتخاب می‌شود و هیچ صندلی سازمانی دائمی یا منافع سرمایه‌گذاری شده‌ای ندارد، حل و فصل کند.

علاوه بر این، تحقیقات اخیر نشان داده‌اند که مشارکت در هیئت‌های منصفه می‌تواند به افزایش اعتماد عمومی به سیستم قضایی و قضاوت منجر شود (Gastil et al., forthcoming). به عبارت دیگر، اعضای هیئت منصفه دیوان کیفری بین‌المللی - به عنوان نمایندگان جامعه بین‌المللی - به احتمال زیاد با این دیدگاه که هیئت منصفه می‌تواند از فساد دادگاه‌ها جلوگیری کند، همراه نیستند. بلکه آن‌ها ترجیح می‌دهند که هیئت منصفه بتواند از طریق یک فرآیند قانونی با کیفیت، رأی عادلانه ارائه دهد. همان‌طور که این یافته‌ها نشان می‌دهند، درک خاص از عدالت به نوبه خود می‌تواند حمایت عمومی از یک سازمان و اعتماد به آن را تقویت کند و در نتیجه، معیار اولیه مشروعیتی که پیش‌تر معرفی شده است را تقویت نماید.

۴. قضاوت اندیشمندانه

جنبه‌ی سومی از مشروعیت به قضاوت در هیئت‌های بین‌المللی مربوط می‌شود. بوکانن و کیهان بر این باورند که یک سازمان جهانی معتبر باید یک چارچوب منطقی عمومی برای حمایت از سازمان‌های مورد بررسی ایجاد کند که بر اساس اصول اخلاقی قابل قبول باشد، حتی در شرایطی که فشارهای قابل توجهی برای عدم توافق‌های اخلاقی وجود دارد (Keohane, 2006: 433 & Buchanan). این موضوع به‌ویژه در زمینه نیازهای عدالت اهمیت دارد.

استروت در زمان نگارش خود به این نکته اشاره می‌کند که مشروعیت دیوان کیفری بین‌المللی در نهایت به توانایی آن در ترغیب ناظران بستگی دارد، به‌طوری‌که قدرت‌های آن باید به‌طور مداوم از قوانینی استفاده کنند که به‌طور طبیعی جهانی هستند (Struett, 2009: 107-10). استروت با استناد به نظریات یورگن هابرماس، بیان می‌کند که «قوانین دیوان کیفری بین‌المللی باید به‌طور یکسان برای همه افراد به منظور توجیه منطقی از منظر ارتباطی اعمال شوند تا در طول زمان حفظ شوند». او همچنین اشاره می‌کند که «دلیل قانع‌کننده‌ای وجود دارد که ساختار سیاسی دیوان کیفری بین‌المللی، به‌ویژه وابستگی آن به کشورهای قدرتمند در نظام بین‌المللی، می‌تواند توانایی آن در توزیع عدالت به شیوه‌ای که مورد توافق ناظران مختلف به عنوان اصولی و عادلانه شناخته می‌شود، تهدید کند». به‌طور کلی، استروت بر این باور است که دیوان کیفری بین‌المللی نیازمند تقویت «مشروعیت پراکنده» است (Struett, 2008: 177).

به منظور مشاهده‌ی این‌که چگونه هیئت‌های منصفه می‌توانند این جنبه از مشروعیت دیوان کیفری بین‌المللی را تقویت کنند، بیایید به عقب بازگردیم و رابطه‌ی بین دموکراسی (آزادی‌خواهی) اندیشمندانه و مشروعیت اخلاقی را در نظر بگیریم. در یک سیستم آزادی‌خواهی، یک تصمیم‌گیری یا مجری تعیین شود (Dahl, 1998). یک دموکراسی خود را از سیستم‌های سیاسی غیر اجباری (مانند توافقات غیررسمی میان کشورهای کاملاً سلطنتی) متمایز می‌کند، زیرا در این نوع سیستم‌ها، تصمیمات بر اساس حمایت و مشارکت اعضای جامعه اتخاذ می‌شود. در یک وضعیت هرج و مرج ملایم، تصمیمات به هیچ‌وجه «محدود کننده» نیستند؛ بلکه توافقی‌هایی هستند که به‌طور موقت و با هم‌رأیی موفق شکل می‌گیرند. در یک دموکراسی، حتی افرادی که بر قانون با استفاده از «نافرمانی مدنی» تأکید می‌کنند، باید بپذیرند که اقداماتشان ممکن است به زندانی شدن آن‌ها منجر شود. بسیاری از منتقدان سیستم‌های آزادی‌خواهی لیبرال بر این باورند که به یک دموکراسی با تفکر عمیق‌تر نیاز است تا از فرآیندهای صرفاً انتخاباتی و مشارکت‌های سطحی فراتر رود. این دموکراسی باید به کیفیت گفتمان عمومی میان شهروندان، ارتباطات بین شهروندان و دولت، رسانه‌های جمعی و همچنین درون هیئت‌های دولتی توجه ویژه‌ای داشته باشد. در بررسی این نوشته‌ها، سیمون چمبرز دموکراسی اندیشمندانه را به عنوان تمرکز بر «فرآیندهای ارتباطی عقیده و شکل‌گیری نیت که پیش از رأی‌گیری اتفاق می‌افتند» تعریف می‌کند (Chambers, 2003: 308). به این ترتیب، مشروعیت نتایج یک سیستم سیاسی، به کیفیت فرآیند اندیشمندانه آن بستگی دارد. جان گاستیل نیز تعریفی مختصر از اندیشه آزادی‌خواهی ارائه می‌دهد که شامل انتخابات در مقیاس بزرگ و همچنین انتخابات در مقیاس کوچک، مانند هیئت‌های منصفه، می‌شود (Gastil, 2008: 8-10). در این مطالعه، مفهوم آزادی‌خواهانه به عنوان یک فرآیند تحلیلی دقیق، با طرفداران تساوی و فرآیند اجتماعی محترم ترکیب می‌شود. با کنار هم قرار دادن این عناصر، می‌توان گفت که زمانی که یک فرآیند فکری به استانداردهای بالایی از تمامیت طراحی دست یابد، قضاوتی معقول تولید می‌کند که جامعه یا سازمان بزرگ‌تر ممکن است آن را مشروع، تأیید و حمایت کند. همان‌طور که جان دریزک بیان می‌کند، «پیامدها تا حدی مشروع هستند که از طریق مشارکت در یک مشورت معتبر، پذیرش بازتابی را از سوی همه افراد در تصمیم‌گیری مورد بررسی، دریافت کنند» (Dryzek, 2001: 651-69).

به منظور تضمین امنیت و مشروعیت قضاوت‌های قانونی، بریتانیا و بسیاری از کشورهای دیگر، به‌ویژه آن‌هایی که وابستگی تاریخی به انگلستان دارند، به هیئت‌های منصفه متکی هستند (Vidmar, 2000: 1-52). با این حال، هیئت‌های منصفه در چارچوب قانون بین‌المللی شکل نگرفته‌اند. علاوه بر این، منتقدان اعضای هیئت‌های منصفه را در برابر بحث‌های عاطفی آسیب‌پذیر، ناآگاه از قوانین و به‌طور کلی ناتوان در دستیابی به نتایج منطقی می‌دانند (Powell, 2004: 2353-56). به عنوان مثال، کاس سانستین اخیراً انتقادی از سوی مردم مطرح کرده است که بیان می‌کند

هیئت‌های منصفه‌ی مدنی به‌طور مکرر به دو گروه مخالف و موافق تقسیم می‌شوند و این امر منجر به قضاوت‌های غیرمنطقی و افراطی می‌شود که ممکن است هیچ یک از اعضای هیئت منصفه در ابتدا از آن حمایت نکرده باشند (Sunstein, 2002: 175-95). در چنین شرایطی، هیئت‌های منصفه به جای تأمین امنیت مشروعیت اخلاقی، از طریق رأی‌گیری عمل خواهند کرد؛ به‌طوری که اعتبار اخلاقی قاضی را تضعیف کرده و آن را با قضاوت‌های سطحی، انعطاف‌پذیر و به شدت اشتباه یک گروه کوچک از شهروندان که به شدت از قانون بی‌خبرند، جایگزین خواهند کرد. مسئله اصلی در این انتقادات این است که با دقت بیشتری بررسی شوند، زیرا آن‌ها بر داده‌های جمع‌آوری‌شده از هیئت‌های منصفه ساختگی تمرکز دارند و نه بر هیئت‌های منصفه واقعی که شامل شهروندان عادی هستند (Kalven & Zeisel, 1966). یکی از جامع‌ترین مطالعات در این زمینه نشان می‌دهد که در نزدیک به چهل و پنج پرونده واقعی مدنی و کیفری، نتایج هیئت منصفه به‌طور کلی با دیدگاه قاضی نسبت به پرونده هم‌راستا است و این هم‌راستایی در مورد مدعیان به مراتب کمتر از قضاوت مشاهده می‌شود. این موضوع نه تنها نشان می‌دهد که شهروندان غیرمتخصص می‌توانند به‌طور قابل اعتمادی مفاهیم قانونی را یاد بگیرند و به کار ببرند، بلکه همچنین ادعاهای مختلفی را که درباره‌ی دوری یکنواخت از قضاوت‌های معنادار مطرح می‌شود، تضعیف می‌کند.

به‌طور مشابه، انتقاد لین ساندرز از «رای‌زنی» به عدم تقارن‌های نگران‌کننده‌ای در نرخ مشارکت اعضای هیئت منصفه اشاره می‌کند (Sanders, 1997: 347-76). این تفاوت‌ها نشان‌دهنده نابرابری‌های موقعیتی موجود، از جمله تفاوت‌های بین اعضای مرد و زن هیئت منصفه است (Gastil, 2008: 281-303 & Hickerson). با این حال، یک بررسی اخیر که بر روی ادعاهای مطرح شده در یک مطالعه‌ی بزرگ و غیرمعمول از هیئت‌های منصفه‌ی واقعی انجام شد، نشان داد که چنین تفاوت‌هایی وجود ندارد (Gastil et al., forthcoming). علاوه بر این، پیچیده‌ترین ترکیب‌ها از داده‌های واقعی دادگاه‌ها و تجربیات هیئت منصفه‌های ساختگی، به‌ویژه آن‌هایی که تحت هدایت والری هانز قرار دارند، نشان می‌دهند که هیئت‌های منصفه‌ی مدنی و کیفری معمولاً آرای بی‌طرفانه می‌دهند که شفاف، جامع و عادلانه هستند (Hans, 2000). به‌طور کلی می‌توان گفت که هیئت‌های منصفه به معیارهای برجسته «اندیشمندانه» دست می‌یابند، واژه‌ای که در بسیاری از کشورها معمولاً در ارتباط با خود این هیئت‌ها استفاده می‌شود.

این موضوع به وضوح نشان می‌دهد که یک هیئت منصفه قادر است قضاوت‌های عمیق و معقولی را از خود ارائه دهد و همچنین می‌تواند مشروعیتی را فراهم کند که با ترکیب اعضای هیئت منصفه همخوانی داشته باشد (Hans, 2008: 275-97). در نهایت، هیئت منصفه به عنوان یک نهاد کاملاً مردمی در زمینه اختیارات قانونی خود باقی می‌ماند. برای دیوان کیفری بین‌المللی می‌تواند در نهایت به مشروعیت فکری قضاوت‌هایی که به آسانی نمی‌توانند ادعا کنند، کمک کند. این قضاوت‌ها زمانی به دست قاضیان منصوب می‌رسند. به رسمیت شناخته می‌شود که برای پذیرش و ارزیابی رأی هیئت منصفه، زمان لازم است و این امر به‌ویژه با توجه به انتقادات عمومی از هیئت منصفه، که ممکن

است به رأی‌های استثنایی یا شواهدی از ناتوانی عمومی آن اشاره کند، اهمیت دارد. غلبه بر چنین تردیدهایی نیازمند پیگیری قانونی و صبر است، هرچند که این امر به معنای اخراج خود هیئت منصفه نیست.

۵. ارزش‌های جهانی آزادی خواهی

یک جنبه‌ی چهارم از مشروعیت که بوکانن و کیهن به آن اشاره کرده‌اند، مفهوم «دموکراسی جهانی» است. آن‌ها بر این نکته تأکید می‌کنند که این مفهوم اهمیت دارد، اما نباید به عنوان یک اصل اساسی برای ارزیابی مشروعیت سازمان‌های بین‌المللی مورد استفاده قرار گیرد. آن‌ها بیان می‌کنند که در حالی که یک استاندارد برای مشروعیت نباید به معنای وجود اختیار قانونی از سوی یک دموکراسی جهانی باشد، اما باید ارزش‌های بنیادی را ترویج کند که پایه‌گذار درخواست‌ها برای دموکراسی هستند (Keohane, 2006: 417 & Buchanan). بوکانن و کیهن با تعریفی از دموکراسی جهانی کار می‌کنند که بر پایه مجموعه‌ای محدود از ارزش‌ها استوار است. این ارزش‌ها شامل «توجه برابر به علایق اساسی همه افراد... تصمیم‌گیری برای نظم عمومی از طریق تفکر جمعی اصولی... و توجه مشترک به افرادی که تحت تأثیر منطق‌ها قرار دارند» می‌باشد. همان‌طور که پیش‌تر اشاره کردیم، گنجاندن هیئت منصفه می‌تواند هر یک از این ارزش‌ها را با تقویت عدالت و قضاوت آگاهانه تقویت کند. برخی از منتقدان دیوان کیفری بین‌المللی بر این باورند که بوکانن و کیهن ممکن است نتوانند به اندازه کافی استانداردهای لازم برای مشروعیت آزادی‌خواهانه هیئت‌های بین‌المللی را برقرار کنند. به عنوان مثال، مادلین ماریس، محقق حقوقی، استدلال می‌کند که دیوان کیفری بین‌المللی فاقد مشروعیت است زیرا حق انحصاری پیگرد قانونی عدالت جهانی آن، فراتر از اصول نمایندگی آزادی‌خواهانه قرار دارد (Morris, 2002: 600).

معاهده‌ی دیوان کیفری بین‌المللی به منظور تحقق پیشرفت‌های قابل توجهی در تضمین مسئولیت‌پذیری افرادی که مرتکب قتل عام، جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت می‌شوند، طراحی شده است. با این حال، این امر به بهای مشروعیت آزادی‌خواهانه‌ی دیوان کیفری بین‌المللی تمام می‌شود. در اینجا دو ارزش بنیادین در تضاد هستند: حق بشر در آزادی از رفتارهای تجاوزکارانه و حق بشر در داشتن دولتی نماینده. هیچ‌یک از این دو حق نباید نادیده گرفته شود. بدرفتاری و آزار به افراد بی‌گناه، از جمله مردان، زنان و کودکان، نباید تحمل شود. در واقع، این دو حق به یکدیگر مرتبط هستند؛ زیرا معمولاً تضعیف دموکراسی است که در نهایت به رفتارهای تجاوزکارانه منجر می‌شود (Fichtelberg, 2006: 767).

یک مشاهده مرتبط، تأثیر ناچیزی بر مشروعیت دارد. برخی از منتقدان نگرانند که هدف جهانی (وطنی) دیوان کیفری بین‌المللی در تأمین امنیت عدالت برای افراد ممکن است با نیاز به حفظ ثبات نظم بین‌المللی در تضاد باشد،

زیرا این نظم بیشتر به حاکمیت کشورهای ملی توجه دارد تا به حقوق فردی (McGoldrick, 2004: & Simpson). (48-51).

تشکیل یک هیئت آزادی‌خواه با رویکردی اندیشمندانه و نمایشی که به تمامی اعضا فرصت مشارکت بدهد، در هر سطحی از دولت یک چالش بزرگ به شمار می‌آید. راه‌حل متداول در این زمینه، انتخاب نمایندگان است که معمولاً وکلا یا قاضیانی هستند و برای خدمت در هیئت جهانی منصوب می‌شوند (Fichtelberg, 2006: 782). بخش عمده‌ای از این فرآیند با برگزاری انتخابات آزاد آغاز می‌شود. مردم ممکن است برای مشاهده تصمیمات به این روند مشروعیت ببخشند، اما هنوز اعتماد عمومی به نهادهای جهانی به‌طور کامل برقرار نشده است. با این حال، گزینه دیگری وجود دارد که هیئت منصفه به آن توجه می‌کند. به جای انتخاب و انتصاب نمایندگان، می‌توان قدرت قانونی و مسئولیت‌ها را به خود مردم واگذار کرد، همان‌طور که در یک مدل کوچک به‌طور تصادفی نشان داده شده است. این رویکرد، مسأله مشروعیت آزادی‌خواهانه را با انتقال قضاوت به خود مردم حل می‌کند.

در این مقطع تاریخی، هیچ نظام قانونی موفق به تشکیل هیئت منصفه‌ای نشده است که از محدودیت‌های اختیارات محلی، استانی یا فدرال فراتر رود (Powell, 2004: 2341-80). با این حال، اصل مشروعیت‌بخشی به یک نمونه تصادفی و اندیشمندانه در سایر روش‌های نوین حل مسائل، قابل توجه است. به عنوان مثال، دولت اورگان در ایالات متحده در سال ۲۰۱۰ در حال آزمایش یک مدل کوچک و اندیشمندانه است که انتقاداتی از اقدامات اولیه رأی‌گیری را در بر خواهد داشت و این انتقادات در راهنمایی‌های رسمی رأی‌گیری که به هر رأی‌دهنده ثبت‌نام شده ارسال می‌شود، گنجانده خواهد شد (Nethercutt, 2005: 111-19 & Crosby). دولت کالیفرنیا به منظور بازسازی مشروعیت خود، اقدام به اجرای یک ابتکار با استفاده از یک چارچوب شهروندی شبه‌تصادفی کرده است (Martin, & Carson, 1999). آزمایشات جهانی به همراه کنفرانس‌های توافق عمومی، گروه‌های برنامه‌ریزی، هیئت‌های منصفه‌ی شهروندی و رأی‌گیری‌های دقیق، پتانسیل لازم برای استقرار مدل‌های کوچک و شامل هیئت منصفه را در روش‌های نوین به نمایش می‌گذارند (Levine, 2005: chaps. 5-8 & Gastil).

ممکن است کسی به این استدلال اعتراض کند و بگوید که نمی‌توان از گسترش‌های جدید هیئت‌های منصفه در چارچوب دولت‌های ملی به این نتیجه رسید که هیئت منصفه‌ای در یک نهاد بین‌المللی مانند دیوان کیفری بین‌المللی قابل اعمال است (Gerring, 2007: 67-77). در این نگرش، به سادگی هیچ دلیلی برای اعتقاد به وجود یک «عموم جهانی» که بتوان از آن هیئت منصفه‌ای تشکیل داد، وجود ندارد. ما به این نکته اذعان داریم که یک مجموعه اساسی از ارزش‌ها و مفاهیم عدالت در سطح جهانی وجود دارد، هرچند که باید توجه داشت که تعارض‌های عمیق اخلاقی و فرهنگی پیش از این در میان ملت‌هایی که به‌طور موفقیت‌آمیز از هیئت منصفه استفاده می‌کنند، وجود داشته است. در عین حال، ما با هوک برانخورست و دیگران هم‌نظر هستیم که یک عمومی اولیه به‌طور جهانی در حال شکل‌گیری

است؛ شبکه‌ای از جوامع حل‌کننده مسائل که دارای انسجامی ضروری هستند و می‌توانند نهادهای جهانی را حفظ کنند (Brunkhorst, 2002: 675-90).

بر اساس برخی گزارش‌ها، عدالت جهانی به عنوان یک اصل کلیدی در قرن جدید ظهور کرده است (Köchler, 2003: 1). این مفهوم بر حقوق بشر تأکید دارد و تعادل قدرت میان شهروندان و دولت‌ها را تغییر داده است. در چندین نقطه مهم در قانون بین‌المللی مدرن، حقوق بشر به نسبت سلطنت ملی اهمیت بیشتری یافته است. به‌طور فزاینده‌ای، قانون بین‌المللی به‌گونه‌ای بازنگری شده که فرد را به عنوان یک هدف اصلی شناسایی کند، از جمله از طریق فرآیند شکل‌گیری و استدلال اصول بنیادین دیوان کیفری بین‌المللی (Lu, 2006: 195). ایجاد توافق‌های جهانی مبتنی بر حقوق بشر به تنهایی نمی‌تواند منجر به شکل‌گیری تظاهرات جهانی منسجم شود، اما ما را به این مرحله نزدیک‌تر کرده است که بتوانیم یک هیئت بین‌المللی متشکل از شهروندانی را تصور کنیم که با همکاری یکدیگر، قضاوتی بر اساس حقوق بشر یا سایر اصول قانونی بین‌المللی ارائه دهند.

۶. قانون‌گذاری

برنامه هیئت منصفه در دیوان کیفری بین‌المللی با چالش‌های قانونی متعددی روبرو خواهد شد. در ادامه، پنج مورد از این مسائل را قبل از تعیین اصول طراحی هیئت منصفه دیوان کیفری بین‌المللی بررسی می‌کنیم. به ترتیب اهمیت، چالش‌هایی که پیش‌بینی می‌کنیم شامل موارد زیر است: سازمان‌دهی، مدیریت و تأمین نیروی انسانی، هزینه‌ها، بررسی دقیق و ایجاد منبع هیئت مدیره. برای برخی از این چالش‌ها، متوجه شدیم که دادگاه قبلاً بر مشکلات مشابهی در عملیات‌های اخیر غلبه کرده و می‌تواند به راحتی یک سیستم هیئت مدیره محدود را تطبیق دهد. ما بیشترین توجه را به آخرین چالش قانونی، یعنی جمع‌آوری منبع هیئت مدیره، به دلیل مسائل خاصی که به همراه دارد، معطوف کرده‌ایم.

۷. سازمان‌دهی کردن

حتی در عملی‌ترین دوره‌ها، اصلاح قانون مدنی رم به منظور تشکیل یک هیئت منصفه با چالش‌های قابل توجهی مواجه خواهد بود. طبق ماده ۱۲۱، این اصلاحات می‌توانند با اکثریت دو سوم از انجمن حزب‌های ایالات به تصویب برسند، اما تا زمانی که هفت هشتم از استان‌ها به‌طور رسمی آن‌ها را تأیید یا پذیرش نکنند، اجرایی نخواهند شد (The Rome Statute, art. 121: 85). بنابراین، بزرگترین مانع در افزودن هیئت مدیره به دیوان کیفری بین‌المللی احتمالاً نیاز به کسب توافق اکثریت قاطع از کشورهای عضو دارد. این موضوع یک چالش سیاسی است و نه یک چالش فنی یا فلسفی، و نیازمند متقاعد کردن کشورهای عضو است که بدون وجود سنت قانونی مشورت هیئت منصفه، این پیشنهاد می‌تواند کارآمد باشد. بزرگترین مانع ممکن است یک نوع نگرش جمعی باشد که نمی‌تواند شهروندانی را که نقش

مستقیمی در حکومت جهانی دارند، تصور کند. با این حال، تاریخ حقوق بین‌الملل نشان می‌دهد که ایده‌های به ظاهر غیرممکن می‌توانند زمانی به واقعیت بپیوندند که ما به ترویج آن‌ها فکر کنیم و به جلو حرکت کنیم (Bos, 1999: 468).

۸. مدیریت و نیروی انسانی

ظرفیت مدیریتی محلی در دیوان کیفری بین‌المللی باید به اندازه‌ای باشد که بتواند یک سیستم هیئت منصفه محدود را به خوبی مشاهده کند. به عنوان یک وظیفه اداری، پیاده‌سازی چنین سیستمی در چارچوب مسئولیت‌های تعیین شده برای چهار نهاد دادگاه، مناسب خواهد بود. ریاست، وظیفه مدیریت دادگاه را بر عهده دارد و به طراحی و نظارت می‌پردازد. چمبرز معمولاً به‌طور مستقیم با فعالیت‌های قضایی در ارتباط است و می‌تواند مسئولیت‌های خاص و مناسبی را برای هیئت‌های منصفه در مراحل پیش‌محکمه، محاکمه و تصمیمات تجدیدنظر تعیین کند. از مقام دادستان می‌توان انتظار داشت که حقوق خاص مرتبط با دادستانی‌های استانی و فدرال را از منظر ساختاردهی یک هیئت مدیره مورد بررسی قرار دهد. در نهایت، بایگانی مسئول مدیریت سوابق عمومی فرآیندهای دادگاه است که هر زمان دادگاه وظیفه‌ای اضافی را بر عهده می‌گیرد، گسترش می‌یابد. تاریخچه دادگاه نشان می‌دهد که زیرساخت مناسبی برای مواجهه با چالش‌های مدیریتی یک سیستم حقوقی بین‌المللی پیچیده وجود دارد.

اگرچه مدیران با تجربه برای مشخص کردن میزان بهینه مدیریت یک سیستم هیئت منصفه ضروری هستند، کارکنان فعلی با چالش‌هایی نظیر موانع زبانی، تنظیمات سفر، مدیریت تسهیلات و موارد مشابه مواجه بوده‌اند. ترکیب هیئت منصفه در یک دادگاه ممکن است به اندازه‌ای خاص و محدود باشد که تنها تعداد کمی از کارمندان دائمی برای مدیریت آن نیاز باشد و این افراد ممکن است از میان کارکنان موجود در سازمان انتخاب شوند.

۹. هزینه

هزینه‌های اجرای دیوان کیفری بین‌المللی قابل توجه است و هیئت‌های حاکم بر آن، با رعایت اصول اخلاقی، به دنبال کاهش هزینه‌ها و حفظ شفافیت در گزارش‌ها هستند. بودجه پیش‌بینی شده برای دیوان کیفری بین‌المللی در سال ۲۰۰۹، ۱۰۲.۶۳ میلیون پوند بود. خوشبختانه، هیچ نشانه‌ای از نیاز به عملکرد مدیریتی از سوی یک سیستم هیئت منصفه که قبلاً در یک ظرفیت مشخص وجود دارد، مشاهده نکردیم. مدیریت، آموزش، بررسی دقیق، سفر و ترجمه - همه این فعالیت‌ها عملکردهای اصلی هستند که به‌طور مؤثر و با تأثیر بر هزینه‌ها در دادگاه‌ها انجام می‌شوند. با توجه به تعداد نسبتاً کم حالاتی که ممکن است دادگاه به آن‌ها رسیدگی کند، انتظار داریم که برنامه هیئت منصفه در عمل، به‌ویژه در زمینه دیوان کیفری بین‌المللی، به‌طور کلی محدود باشد.

با این وجود، ما به این نکته اذعان داریم که روندها، نهادها و موقعیت‌های جدید به زمان و هزینه نیاز دارند. نمی‌توان انتظار داشت که تمامی عملکردها به‌طور مستقیم منتقل شوند. به عنوان مثال، سیستم‌های ترجمه‌ای که برای قاضی‌ها و مأموران رسمی بین‌المللی با تجربه طراحی شده‌اند، ممکن است نیاز به توسعه داشته باشند تا بتوانند اعضای هیئت منصفه‌ای را که هیچ آموزش قانونی ندارند و زبان‌هایشان به تازگی در دادگاه هماهنگ نشده است، به خوبی هماهنگ کنند. همانند قربانیان و شواهد، آگاهی اعضای هیئت منصفه از آنچه در خطر است و نتایج تصمیم‌گیری‌هایشان بسیار حائز اهمیت است. در هر صورت، مزایای ناشی از یک سیستم هیئت منصفه باید از هزینه‌های مربوط به آن فراتر رود. مشابه وظیفه‌ای که وکلای ملی در توسعه قانون مدنی رم بر عهده داشتند، باید سطحی از اعتماد وجود داشته باشد که نشان دهد تعهدات مالی در نهایت به پاداش‌های اجتماعی منجر خواهد شد.

۱۰. امنیت

مسائل امنیتی برای اعضای هیئت منصفه‌ی آینده‌نگر از اهمیت بیشتری نسبت به نیروی انسانی یا مسائل مالی برخوردار است. دادگاه به بررسی جرایم بسیار جدی می‌پردازد و برخی از پرونده‌ها ممکن است با شبکه‌های جنایی یا نیروهای نظامی مردمی مرتبط باشند. علاوه بر حفاظت از افراد در برابر آسیب‌های فیزیکی، دادگاه نیازمند تدابیری برای جلوگیری از تهدیداتی است که ممکن است بی‌طرفی اعضای هیئت منصفه را به خطر بیندازد. اعضای هیئت منصفه ممکن است توجه ناخواسته‌ای از سوی افرادی که قصد دارند روند دادگاه را مختل کنند، جلب کنند. به منظور تضمین امنیت اعضای هیئت منصفه، مدیران این هیئت می‌توانند از تجربیات واحد قربانیان و شاهدان دادگاه استفاده کنند که پیش‌تر استانداردهای بسیار بالایی را برای حفاظت از افرادی که درخواست کمک رسمی دارند، تعیین کرده است (International Criminal Court, 2009). علاوه بر این، اعضای انفرادی هیئت منصفه می‌توانند از ریسک‌های خاص معاف شوند، همان‌طور که اعضای آینده‌نگر هیئت منصفه در دادگاه‌های فعلی معمولاً به دلیل شرایط سخت‌تر از خدمت معاف می‌گردند.

در پرونده‌هایی که احتمال تعرض به اعضای هیئت منصفه از یک کشور خاص همچنان حائز اهمیت است، دادگاه به یک منبع جهانی بزرگتر از اعضای هیئت منصفه دسترسی خواهد داشت. با این حال، به نظر ما ضروری است که اعضای هیئت منصفه از محلی عمومی که جرایم در آن رخ داده‌اند، انتخاب شوند. مفهوم جامعه جهانی این امکان را فراهم می‌آورد که هیئت منصفه‌ای چندملیتی و چندمنطقه‌ای تشکیل شود. علاوه بر این، همان‌طور که در ادامه به آن خواهیم پرداخت، نیازی به اجبار هیئت‌های منصفه برای ارائه رأی‌های نهایی یا انتقال جملات افراطی نیست: افراد می‌توانند بدون مسئولیت‌پذیری نسبت به هر جنبه‌ای از واکنش جامعه بین‌المللی در این فرآیند شرکت کنند.

۱۱. منبع هیئت منصفه

چالش برانگیزترین سؤال قانونی در خصوص تشکیل منبع هیئت منصفه است. همان‌طور که در بخش بعدی توضیح خواهیم داد، اعضای هیئت منصفه ممکن است بسته به زمینه و وظیفه خاصی که با آن مواجه هستند، از منابع مختلفی با کیفیت‌های متفاوت انتخاب شوند. به‌ویژه ممکن است منابع بیشتری از هیئت منصفه‌ی قراردادی وجود داشته باشد که از یک موقعیت جغرافیایی خاص انتخاب شده‌اند، مانند محل یک جنگ داخلی که نیاز به مداخله‌ی قضایی دارد. با این حال، در اینجا ما به چالش برانگیزترین منبع قانونی هیئت منصفه می‌پردازیم؛ منبعی که به‌طور مستقیم به سؤالات مربوط به مشروعیت پاسخ می‌دهد و هدف آن جمع‌آوری نمایی از جامعه‌ی جهانی است.

برای ایجاد یک منبع هیئت منصفهٔ جهانی، لازم است که به دو معیار توجه شود؛ نخست، باید به تقویت مشروعیت فرآیند قانونی کلی دادگاه‌ها و سازمان‌ها کمک کند. پس از تمام این موارد، نیروی محرکه اصلی برای حتی اندیشیدن به هیئت‌های منصفه جهانی، به‌طور خاص مشروعیتی است که هیئت منصفه عمومی می‌تواند به یک سازمان قانونی بین‌المللی مستقل و در غیر این صورت انتزاعی، اعطا کند. معیار دوم (که به‌نوعی نقش تعادل‌بخش دارد) ایجاب می‌کند که جمع‌آوری یک منبع هیئت منصفه‌ی جهانی به عنوان یک وظیفه‌ای واقع‌بینانه و قابل دسترسی باقی بماند، وظیفه‌ای که به‌طور کلی منابع و ظرفیت‌های محدود دادگاه را تحت تأثیر قرار نمی‌دهد. مسئولیت تأسیس و نگهداری یک منبع هیئت مدیره جهانی به‌طور پیش‌فرض در لایه ایجاد خواهد شد. دفاتر منطقه‌ای می‌توانند به‌طور نسبی کارمندان را در مکان‌های کلیدی مستقر کنند تا وظایف مدیریتی و اطلاعاتی، از جمله ارتقاء برنامه از طریق سازمان‌های غیردولتی، رسانه‌های عمومی، همکاری با دولت‌های محلی و ملی برای جذب تقاضاها، و برگزاری نشست‌های آموزشی مهم را انجام دهند.

استخدام نیروی جدید برای یک سیستم هیئت منصفه، فرصتی عمیق برای جذب افراد به عنوان اعضای استخدامی از جامعه جهانی فراهم خواهد کرد. دولت‌های ملی با یک استدلال قوی و نوین قادر خواهند بود تا شهروندان را آگاه کرده و در یک گفتمان عمومی وسیع‌تر درباره تعارضات بین‌المللی، هزینه‌ها و مزایای یک سیستم عدالت فراملی، و همچنین مزایای اقتصادی و اجتماعی ناشی از گسترش صلح، مشارکت دهند. سازمان‌های غیردولتی و شبکه‌های مدنی می‌توانند در انتقال فرآیندها و ایجاد سرمایه اجتماعی حول مشارکت، نقش موثری ایفا کنند. کمپین‌های تبلیغاتی می‌توانند با پیام‌های جهانی خود به جمعیت وسیعی دسترسی پیدا کنند، که این امر هم به جذب کاندیداهای واجد شرایط کمک می‌کند و هم به عنوان دعوتی عمومی برای آشنایی بیشتر با دیوان کیفری بین‌المللی عمل می‌کند.

اگرچه خدمت در هیئت منصفه‌ی اجباری در یک زمینه‌ی ملی مناسب به نظر می‌رسد، ما هیئت منصفه‌ی دیوان کیفری بین‌المللی را به عنوان یک نهاد داوطلبانه معرفی می‌کنیم (به جز شاید در کشورهایی که در زمان فراخوانی، خدمت اجباری را انتخاب می‌کنند). یک فرآیند انتخاب تصادفی جهانی پیچیده می‌تواند طراحی شود، احتمالاً با الهام

از مدل بررسی‌های ملی که به صورت خانه‌به‌خانه انجام می‌شود. این مدل شامل انتخاب تعدادی ناحیه جغرافیایی کوچک است که در آن‌ها برای ایجاد یک نمونه ملی کلی، بررسی‌هایی انجام می‌شود. بنابراین، هر منبع هیئت منصفه ممکن است از یک نمونه تصادفی سازمان‌یافته از کشورها (که نمایی از جامعه ملی را ارائه می‌دهد) و به تبع آن از جوامع خاص در این کشورها انتخاب شود.

برخلاف برخی از سازمان‌های بین‌المللی دیگر، هیئت منصفه‌ی دیوان کیفری بین‌المللی قادر است نمایی از جمعیت‌های جهانی را در دادگاهی که در آن قدرت و نفوذ به‌طور عادلانه تقسیم شده‌اند، گردآوری کند. همان‌طور که در تلاش برای برقراری توازن در نفوذ اجتماعی در میان خطوط کلاس، نژاد، جنسیت و فرهنگ با چالش‌هایی مواجه هستیم، نظریه‌ها و رویه‌های اخیر بر اساس فرآیندهای تفکر عمیق، شواهد مفیدی ارائه می‌دهند که می‌تواند به هیئت منصفه در غلبه بر چالش‌های ناشی از نابرابری‌های اجتماعی-اقتصادی میان اعضا کمک کند. در نهایت، این نابرابری‌ها در تمامی سیستم‌های هیئت منصفه‌ی موجود مشاهده می‌شوند.

مهم است که بررسی کنیم آیا نوع فردی که تمایل و توانایی پذیرش این نقش را دارد، ممکن است رفتارهای پیش‌داورانه خاصی را به وجود آورد. به عنوان مثال، آیا ممکن است که اعضای هیئت منصفه به سمت افرادی تحصیل‌کرده و ثروتمند گرایش پیدا کنند که قادر به ترک موقت شغل و خانواده‌ی خود هستند؟ در اینجا، همانند سایر عناصر طرح ما، ما معتقدیم که روندهای موجود می‌توانند برای سازگاری با زمینه بین‌المللی تطبیق یابند. زمانی که انتخاب متقاضیان و آموزش هیئت منصفه برای مقابله با چنین چالش‌هایی کافی نباشد، وکلای مدافع هنوز می‌توانند از طریق فرآیند دقیق انتخاب هیئت منصفه در این انتخاب نقش داشته باشند.

زمانی که افراد به منبع اعضای هیئت منصفه واجد شرایط وارد می‌شوند، اطلاعات اولیه‌ای دریافت می‌کنند که به افزایش آگاهی آن‌ها از دیوان کیفری بین‌المللی کمک کرده و آن‌ها را برای خدمت احتمالی آماده می‌سازد. اعضای این منبع ممکن است در طول زمان، آموزش‌های عمومی و پیش‌زمینه‌ای را در کشورهای خود دریافت کنند تا به‌طور کامل برای زمانی که نوبت خدمتشان فرا می‌رسد، آماده شوند. حتی اگر تنها یک کسر کوچکی از اعضای پذیرفته شده‌ی هیئت منصفه خدمت کنند، همان‌طور که در منبع هیئت منصفه معمول است، این روش قدرتمندی برای دیوان کیفری بین‌المللی و جامعه‌ی بین‌المللی برای واکنش با شهروندان در سراسر جهان خواهد بود.

دوره‌ی فعالیت هیئت منصفه با دقت مدیریت خواهد شد تا اطمینان حاصل شود که اعضای آن قادرند به‌طور مؤثر وظایف فکری خود را انجام دهند. این سیستم باید زمان کافی را برای اعضای هیئت منصفه فراهم کند تا بتوانند پرونده را به خوبی درک کرده و تصمیم‌گیری کنند، بدون آنکه به‌طور نادرست زندگی مردم را تحت تأثیر قرار دهند. ما یک دوره‌ی یک ماهه را تصور می‌کنیم که در آن مراحل مختلف فعالیت‌های هیئت منصفه در تعداد محدودی از روزها انجام می‌شود تا از یک فرآیند قابل پیش‌بینی و مؤثر اطمینان حاصل گردد (به عنوان مثال، با اجتناب از بررسی‌های

طولانی و غیرضروری). همچنین، هیئت‌های منصفه‌ی متعدد می‌توانند بسته به نوع پرونده‌ی دادگاه به‌طور همزمان فعالیت کنند.

۱۲. مسئولیت هیئت منصفه

همان‌طور که دادگاه برای رسیدگی به این پرونده آماده می‌شود، نقاطی را شناسایی خواهد کرد که در آن‌ها تصمیم یک هیئت منصفه می‌تواند مشروعیت بیشتری به اقدامات اضافه کند. به عنوان مثال، ویژگی چند نژادی منطقه فرضی ما نشان می‌دهد که یک رأی سخت که به‌وسیله حکم قضایی صادر می‌شود، می‌تواند به طولانی‌تر شدن اقامت در محیط پس از درگیری دامن بزند. با واگذاری مسئولیت رأی‌گیری به هیئت منصفه، دادگاه قادر خواهد بود جنبه‌های سیاسی و اجتماعی مختلف موجود در منطقه را شناسایی و ترکیب کند.

۱۳. بافت هیئت منصفه

مدیران هیئت منصفه همچنین گزینه‌هایی برای تعیین ترکیب هیئت منصفه خواهند داشت، از جمله ملیت، منطقه و نوع دادگاه. هویت ملی، نیرویی قوی است که در خلال درگیری‌های مسلحانه با نتایج مرگبار خود را نشان می‌دهد. در پرونده‌هایی که ملیت مانع از مشاوره مؤثر می‌شود، مدیران هیئت منصفه می‌توانند یک قدم به عقب برداشته و از معیارهای وسیع‌تری برای ایجاد یک مدل کوچک نمایشی استفاده کنند. به عنوان مثال، اگر جرایم مورد بررسی به‌طور گسترده‌ای در جامعه توزیع شده باشند یا جمعیت‌های نژادی به‌طور کامل از منطقه حذف شده باشند، در این صورت انتخاب اعضای هیئت مدیره از یک منطقه جغرافیایی به‌طور محدود، در شمول جمعیت مناسب و وسیع‌تر ناکام خواهد ماند. پرونده‌ی فرضی ما که در آن جوامع بومی به‌طور دست‌نخورده باقی مانده‌اند، اما آزارها موجب برانگیختن خشم می‌شوند، احتمالاً به هیئت‌های منصفه‌ی محلی و فراتر از آن نیاز خواهد داشت. این تعادل میان شرکت‌کنندگان محلی و خارجی همچنین در انتخاب ملیت‌های مختلف برای هیئت منصفه نیز لحاظ می‌شود.

انتخاب هیئت‌های منصفه بر اساس ملیت به شکلی پیچیده و مختلط خواهد بود. قانون بین‌المللی به عنوان یک تعادل‌دهنده ملایم بین برنامه‌های ملی و اختیارات قانونی فراملی عمل می‌کند. در یک پرونده خاص، جامعه بین‌المللی ممکن است نیاز بیشتری یا کمتری به دخالت داشته باشد. در سناریوی فرضی ما، هدف ایجاد تنش‌های نژادی برای تحریک و نه سرکوب آن‌هاست، که این موضوع به ضرورت وجود اعضای هیئت منصفه‌ای اشاره دارد که نه تنها نماینده کشورهای مختلف درگیر در این تعارض هستند، بلکه همچنین نمایانگر قومیت‌های مختلف درون آن کشورها نیز می‌باشند. می‌توان تصور کرد که رأی‌گیری در اطاق هیئت منصفه می‌تواند فرآیند قضایی مرکزی را در نظر جمعیت تحت تأثیر و در نگاه جهانیان مشروع‌تر جلوه دهد.

انتخاب سوم به بررسی دادگاه‌های «دو رگه» می‌پردازد، جایی که قضات و اعضای هیئت منصفه به‌عنوان یک هیئت مشورتی عمل کرده و تصمیماتی را اتخاذ می‌کنند. دادگاه‌ها به‌عنوان نهادهای اساسی در حقوق بین‌الملل شناخته می‌شوند، اما اخیراً نیاز به انعطاف‌پذیری بیشتری در این نوع دادگاه‌ها احساس شده است. در زمینه هیئت منصفه^۱ دیوان کیفری بین‌المللی، تصمیم به ادغام قضات ممکن است تحت تأثیر عوامل مختلفی قرار گیرد، از جمله پیچیدگی‌های قانونی پرونده، شدت عواطف ناشی از درگیری، یا مزایای کلی تأیید قانونی که قضات ارائه می‌دهند. در سناریوی ما، که مشارکت شهروندان نقش حیاتی دارد و پتانسیل بالایی برای بهبود اجتماعی فراهم می‌آورد، ممکن است ترجیح داده شود که بخش قابل توجهی از رأی‌زنی به شهروندان عادی واگذار شود، در حالی که قضات همچنان با دقت بر روند نظارت خواهند کرد.

نتیجه‌گیری

معرفی هیئت منصفه به‌عنوان یک سازوکار معتبر در زمینه عدالت بین‌المللی نیازمند فراتر رفتن از صرفاً تطبیق یک سیستم موجود است. هیئت منصفه^۱ بین‌المللی دارای الزامات و اهداف خاصی است و با چالش‌های منحصر به فردی روبرو می‌شود. همان‌طور که در ابتدای بحث اشاره کردیم، ممکن است یک هیئت منصفه برای تمامی پرونده‌هایی که به دیوان کیفری بین‌المللی ارجاع می‌شود، مناسب نباشد. با این حال، تحت شرایط خاص، این هیئت می‌تواند به‌طور قابل توجهی به مشروعیت تصمیمات دادگاه و عملکرد آن به‌عنوان یک نهاد قانونی کمک کند. علاوه بر چالش‌های قانونی که به دلیل فاصله و مقیاس وجود دارد، یک هیئت منصفه^۱ بین‌المللی باید تفاوت‌های زبانی و فرهنگی را در محیط دادگاه و میان اعضای خود مدیریت کند. همچنین، این هیئت باید مشروعیت سیستم را در یک جامعه حقوقی بین‌المللی که گاهی اوقات شکاک است، ایجاد کند. اگرچه این چالش‌ها جدید نیستند و از آغاز پروژه قرارداد رم وجود داشته‌اند، برای درک اهمیت یک هیئت منصفه^۱ بین‌المللی و لزوم توجه جدی‌تر به آن، ضروری است که این چالش‌ها را در برابر مزایای بالقوه‌ای که چنین سیستمی می‌تواند ارائه دهد، مورد بررسی قرار دهیم.

چالش اصلی در دیوان کیفری بین‌المللی مربوط به برقراری مشروعیت بین‌المللی است. آیا قضات این دیوان به‌عنوان افرادی بی‌طرف و قابل اعتماد شناخته می‌شوند؟ در فرآیندهای طولانی‌مدت، چرا باید هیچ دولتی به این باور برسد که دیوان کیفری بین‌المللی صلاحیت رسیدگی به مسائل پیچیده حقوق بشر را دارد، به‌ویژه زمانی که این مسائل ممکن است در مرزها یا مناطق خود آن‌ها اتفاق بیفتد؟ چرا دیوان کیفری بین‌المللی نباید به‌عنوان یک تهدید برای حاکمیت ملی تلقی شود؟ این نگرش به‌ویژه توسط دولت آمریکا شکل گرفت، زمانی که از پذیرش صلاحیت قضایی دیوان کیفری بین‌المللی بر ملت‌های آمریکایی خودداری کرد (Powell, 2004: 2353-56). یک سیستم هیئت منصفه که ارزش‌های آشنا به نظام حقوقی ایالات متحده را در بر می‌گیرد و آن‌ها را منعکس می‌کند، می‌تواند به دیوان کیفری

بین‌المللی کمک کند تا اختلافات خود با آمریکا را از طریق واگذاری تصمیمات قانونی به یک گروه بزرگ‌تر از مردم عادی، به جای قضات منصوب، حل و فصل کند. علاوه بر این، با انتخاب باراک اوباما به عنوان رئیس‌جمهور، که تمایل بیشتری به همکاری‌های بین‌المللی و توافقات عمومی نسبت به پیشینیان خود دارد، احتمال شنیده شدن چنین درخواست‌هایی در ایالات متحده افزایش یافته است. در این زمینه و موارد مشابه، دیوان کیفری بین‌المللی باید به دنبال راهکارهای خلاقانه‌ای باشد تا مشروعیت خود را به عنوان یک نهاد در میان کشورهای که هنوز تمایلی به پذیرش صلاحیت قانونی آن ندارند، حفظ کند.

توافق سیستم هیئت منصفه، مشروعیتی است که از طریق مشارکت مستقیم شهروندان به دست می‌آید. در حالی که مشارکت قربانیان به نمایندگی از افرادی که به شدت در اثر جرایم جنگی آسیب دیده‌اند، کمک می‌کند، یک سیستم هیئت منصفه می‌تواند به هر دو جنبه‌ی دسترسی و معنای نمایندگی برای تمامی جمعیت‌های آسیب‌دیده گسترش یابد. با به‌کارگیری شهروندان به عنوان اعضای هیئت منصفه در سطوح فرامرزی، این سیستم قادر است شبکه‌های حیاتی آگاهی مشترک، امنیت و مسئولیت را تقویت نماید. این رویکرد می‌تواند به بهبود عملکرد قانون بین‌المللی در جوامع جهانی متنوع کمک کرده و مشارکت بیشتری از سوی افراد را در این فرآیند جلب کند. این موضوع همچنین می‌تواند به عنوان ابزاری برای بازسازی جوامع پس از جدایی ناشی از درگیری‌ها یا رژیم‌های تفکیک‌کننده عمل کند. یک سیستم هیئت مدیره بین‌المللی ممکن است بیش از هر ابتکار دیگری، هدف دیوان کیفری بین‌المللی را در گسترش عدالت فراتر از نخبگان قانونی و سیاسی تحقق بخشد. هرچند که دیوان کیفری بین‌المللی نمی‌تواند به عنوان یک راه‌حل جامع برای چالش‌های مشروعیتی که با آن مواجه است، عمل کند، اما وجود یک هیئت منصفه می‌تواند تصویر دادگاه را به عنوان یک نهاد مشروع و پایدار که در پی نمایندگی عادلانه همه مردم در پیگیری عدالت جهانی و دفاع از حقوق بشر است، تقویت و تأیید کند.

منابع

۱. پشیمی، بهرام؛ نزدی منش، هیبت‌الله (۱۴۰۱). انعکاس نظریه‌های عدالت کیفری در اساس نامه دیوان کیفری بین‌المللی. نشریه آموزش‌های حقوق کیفری، دوره ۱۹، شماره ۲۳، شماره پیاپی ۲۳، ۸۹-۱۲۲.
۲. حدادی، مهدی (۱۳۸۹). مقایسه مفهوم و کارکرد نظم عمومی در نظام حقوق بین‌الملل با نظام‌های حقوق ملی. مجله حقوق خصوصی، سال هفتم، شماره شانزده، ۱۳۶-۱۶۹.
۳. زمانی، قاسم؛ حسینی اکبرنژاد، هاله (۱۳۹۴). جامعه بین‌الملل و عدالت کیفری. فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، دوره ۴۵، شماره ۳، ۳۱۵-۳۳۹.

References

1. Bos, Adriaan (1999). The International Criminal Court: A Perspective. In: Lee, Roy S. (ed.) ,*The International Criminal Court: The Making of the Rome Statute—Issues, Negotiations, Results* . The Hague: Kluwer Law International, 468.
2. Brunkhorst, Hauke (2002). Globalising Democracy Without a State: Weak Public, Strong Public, Global Constitutionalism .*Millennium: Journal of International Studies* ,31 ,675–90.
3. Buchanan, Allen; and Keohane, Robert O. (2006). The Legitimacy of Global Governance Institutions .*Ethics & International Affairs* ,20 ,4 ,405–37.
4. Carson, Lyn; and Martin, Brian (1999). *Random Selection in Politics* .Westport, Conn.: Praeger.
5. Chambers, Simone (2003). Deliberative Democratic Theory .*Annual Review of Political Science* ,6 ,307–324.
6. Crosby, Ned; and Nethercutt, Doug (2005). Citizens Juries: Creating a Trustworthy Voice of the People. In: Gastil, John; and Levine, Peter (eds.) ,*The Deliberative Democracy Handbook* .San Francisco, Calif.: Jossey-Bass, 111–19.
7. Dahl, Robert A. (1998). *On Democracy* .New Haven, Conn.: Yale University Press.
8. Dryzek, John S. (2001). Legitimacy and Economy in Deliberative Democracy .*Political Theory* , 29 ,651–69.
9. Dwyer, William L .(2002) .*In the Hands of the People* .New York: St. Martin’s, 32.
10. Fichtelberg, Aaron (2006). Democratic Legitimacy and the International Criminal Court: A Liberal Defence .*Journals of International Criminal Justice* ,4 ,4 ,765–785.
11. Gastil, John (2008) .*Political Communication and Deliberation* .Thousand Oaks, Calif.: Sage, 8–10.
12. Gastil, John; Lingle, Colin J.; and Deess, Eugene P. (forthcoming) .*The Jury and Democracy: How Jury Deliberation Promotes Civic Engagement and Political Participation* .New York: Oxford University Press.
13. Gastil, John; and Levine, Peter (eds.) (2005) .*The Deliberative Democracy Handbook* .San Francisco, Calif.: Jossey-Bass.
14. Gerring, John (2007). Global Justice as an Empirical Question .*PS: Political Science & Politics* , 40 ,1 ,67–77.
15. Hans, Valerie P .(2000) .*Business on Trial: The Civil Jury and Corporate Responsibility* .New

- Haven, Conn.: Yale University Press.
16. Hans, Valerie P. (2008). Jury Systems Around the World. *Annual Review of Law and Social Science*, 4, 275–97.
 17. Hickerson, Andrea; and Gastil, John (2008). Assessing the Difference Critique of Deliberation: Gender, Emotion, and the Jury Experience. *Communication Theory*, 18, 281–303.
 18. International Criminal Court (2009). *Victims and Witnesses Protection*. Available at: www.icc-cpi.int/Menus/ICC/Structure+of_the_Court/Protection/Victims+and+Witness+Unit.htm (accessed December 16, 2009).
 19. Kalven, Harry Jr.; and Zeisel, Hans (1966). *The American Jury*. Boston: Little, Brown.
 20. K'ochler, Hans (2003). *Global Justice or Global Revenge? International Criminal Justice at the Crossroads*. Vienna: Springer-Verlag, 1.
 21. Lu, Catherine (2006). The ICC as an Institution of Moral Regeneration. In: Milde, Michael; Vernon, Richard; and Harrington, Joanna (eds.) *Bringing Power to Justice? The Prospects of the International Criminal Court*. Montreal: McGill-Queen's University Press, 195.
 22. McGoldrick, Dominic (2004). The Legal and Political Significance of a Permanent International Criminal Court. In: McGoldrick, Dominic; Rowe, P. J.; and Donnelly, Eric (eds.) *The Permanent International Criminal Court: Legal and Policy Issues*. Oxford: Hart Publishing, 459–60.
 23. Morris, Madeline (2002). The Democratic Dilemma of the International Criminal Court. *Buffalo Criminal Law*, 5, 600.
 24. Overy, Richard (2003). The Nuremberg Trials: International Law in the Making. In: Sands, Philippe (ed.) *From Nuremberg to The Hague: The Future of International Criminal Justice*. Cambridge: Cambridge University Press, 2.
 25. Powell, Amy (2004). Three Angry Men: Juries in International Criminal Adjudication. *New York University Law Review*, 79, 2341–80.
 26. Schiff, Benjamin N. (2008). *Building the International Criminal Court*. Cambridge: Cambridge University Press, 142.
 27. Simpson, Gerry; and McGoldrick, Dominic (2004). Politics, Sovereignty, Remembrance. In: McGoldrick, Dominic; Rowe, P. J.; and Donnelly, Eric (eds.) *The Permanent International Criminal Court: Legal and Policy Issues*. Oxford: Hart Publishing, 48–51.
 28. Struett, Michael J. (2008). *The Politics of Constructing the International Criminal Court: NGOs, Discourse, and Agency*. New York: Palgrave Macmillan, 155, 177.
 29. Struett, Michael J. (2009). The Politics of Discursive Legitimacy: Understanding the Dynamics and Implication of Prosecutorial Discretion at the International Criminal Court. In: Roach, Steven C. (ed.) *Governance, Order, and the International Criminal Court*. New York: Oxford University Press, 107–10.
 30. Sunstein, Cass R. (2002). The Law of Group Polarization. *Journal of Political Philosophy*, 10, 95, 175.
 31. The Rome Statute of the International Criminal Court, art. 121, p. 85. Available at: [www.icccpi.int/NR/rdonlyres/EA9AEFF7-5752-4F84-BE94-0A655EB30E16/0/Rome Statute English.pdf](http://www.icccpi.int/NR/rdonlyres/EA9AEFF7-5752-4F84-BE94-0A655EB30E16/0/Rome%20Statute%20English.pdf).

32. Vidmar, Neil (2000). A Historical and Comparative Perspective on the Common Law Jury. In: Vidmar, Neil (ed.) ,*World Jury Systems* .New York: Oxford University Press, 1–52.
33. Vidmar, Neil; and Hans, Valerie (2007) .*American Juries: The Verdict* .Amherst, N.Y.: Prometheus.